نام مجلّه : پژوهشهای قرآنی شماره ۳۳
ویژهٔ قرآن و ادیان و فرهنگها (۳) ، بهار ۱۳۸۲

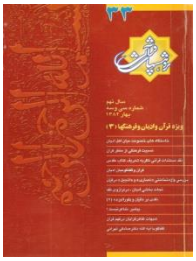

گفت و گو با آیت الله دکتر صادقی‌تهرانی

پیش درآمد

آیت الله دکتر محمّد صادقی‌تهرانی ، از مفسّران و فقیهان ارجمند معاصر است که تفسیر گرانسنگ « الفرقان » ایشان ، یکی از چند تفسیر ممتاز و در خور توجّه سدهٔ اخیر در جهان اسلام به شمار می‌آید . آثار و تألیفات گوناگون استاد بالغ بر دهها اثر بوده که به دلیل تخصّص ویژهٔ ایشان در قرآن‌شناسی بسیاری از این آثار در ارتباط با زمینه‌های گوناگون قرآنی می‌باشد ؛ چنان که دیگر آثار ایشان در زمینه‌های فقهی و کلامی و فلسفی و جز آن نیز دارای لون و صبغهٔ قرآنی است ؛ چنانکه کتاب « تبصرة الفقهاء » ایشان را می‌توان یک دوره بازنگری تطبیقی کامل ابواب فقهی بر محور قرآن به شمار آورد .

استاد صادقی به جدّ روش تفسیر قرآن به قرآن را باور داشته و با تکیه و اعتماد اصلی بر قرآن ، منابع دیگر دینی را با نگاه نقّادانه نگریسته و به همین دلیل در برخی موارد دیدگاههای ویژه‌ای از سوی ایشان ارائه شده است . ایشان در کنار تفسیر ، از دهها سال پیش در زمینهٔ مطالعات تطبیقی ادیان نیز تلاشهای علمی گسترده‌ای داشته و افزون بر مطالعات و تألیفات متعدّد در این زمینه با حضور و اقامت چند ساله در کشورهای عربی ـ اسلامی گفت و گوهای بسیاری با عالمان دیگر ادیان نیز داشته است .

آثار ایشان در زمینهٔ مطالعات تطبیقی ادیان ، شامل کتابهای : عقائدنا ، المقارنات ، رسول‌الاسلام فی الکتب‌السّماویة ، بشارات عهدین ، مسیح از نظر قرآن و انجیل و ... می‌باشد ؛ افزون بر مطالب ارزشمندی که در این زمینه در تفسیر « الفرقان » ذیل آیات مربوطه دیده می‌شود . مجموعه آثار یاد شده که هر یک به بعدی از ابعاد مختلف ادیان ابراهیمی و آموزه‌های آن پرداخته ، نشان از مطالعات جامع و آگاهی ژرف و گسترده نویسنده در این زمینه دارد .

فصلنامه پژوهشهای قرآنی که در گذشته نیز از محضر ایشان بهره جسته و در مقالاتی نیز به بررسی و نقد و سبک شناسی تفسیر « الفرقان » پرداخته است[۱] اینک پرسشهایی در مقوله ادیان و روابط متقابل آنها با

یکدیگر از نگاه قرآن با استاد در میان نهاده است . آنچه می‌نگرید پاسخهای ایشان است که هر چند گزیده و کوتاه ، امّا راهگشا و رهنمون ارائه شده است . با سپاس فراوان از محضر ایشان ، پرسشهای ما و پاسخهای ایشان را بی‌هیچ‌گونه ویرایشی می‌خوانید :

* فلسفه تعدّد ادیان و شرایع و تجدید نُبُوّتها از دیدگاه قرآن چیست ؟ آیا تفاوت استعداد بشر یا تغییر مصالح و مفـاسد ، در زندگی و یا تفاوت درجـات تجربه‌های دینی انبیا که عرفـا از آن به کشف تعبیر می‌کنند ، نقش داشته است ؟

استاد صادقی : اصولاً دین خدا واحد و شرایع آن متعدّد است ؛ چنانکه در آیاتی مانند « شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ نُوحًا وَ الَّذِی أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ وَ مَا وَصَّیْنَا بِهِ إِبْرَاهِیمَ وَ مُوسَی وَ عِیسَی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ ... . » ، (شوری ، ٤٢ / ١٣) دین همان طاعت از خـداست ، لکن پنج شریعت که نشـأت گرفته از دین می‌باشند گرچه در اصول مبانی عقیدتی و اخلاقی یکسانند ، ولی در چهره و زمان حاکمیّت دین ویژه ، فرقهایی با هم دارند . و این تفاوتها از نظر زمینه فکری و کشش عقلانی نبوده است ، بلکه این خود آزمایشی نسبت به مکلّفان بوده ، چنان که آیاتی مانند « ... لِکُلٍّ جَعَلْنَا مِنْکُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَاجًا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَکِنْ لِیَبْلُوَکُمْ فِی مَا آتَاکُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ ... . » ، (مائده ، ٥ / ٤٨) نصّی بر این حقیقت است که : اختلاف این پنج شریعت بر مبنای آزمون مکلّفان بوده ، و چنان که در هر یک از این شرایع ربّانی تناسخهایی درونی وجود داشته ، نسبت به یکدیگر نیز تناسخهایی داشته‌اند ، تا شریعت قرآن که آخرین و پربارترین شرایع مقدّسهٔ الهیّه تا پایان زمان تکلیف است ، و قرآن که رهبری کلّ جهانیان را تا پایان جهان به عهده دارد بیانگر کلّ نیازهـای مکلّفـان در طول و عرض جهـان باشد .

نخستین شریعت ربّانی که در صحف نوح منعکس است با شریعت ابراهیم تفاوتی چندان ندارد و کم‌تر از آن ، تفاوت بسیار کمرنگ شریعت انجیل با تورات است . و در میان این شرایع پنجگانه تنها تورات و قرآن است که بسیار مفصّل‌تر از شرایع دیگر می‌باشد . و اصولاً تناسخهای درونی و برونی شرایع ، چنان که بر مبنای آزمون مکلّفان است ، دارای سیاست گام به گام تربیتی و تکاملی می‌باشد که در مرحله پایانی وحی قرآنی وقفه صد درصد و بدون استثنا تا پایان زمان تکلیف داشته است .

مثلاً در موارد معدودی از تناسخهای قرآنی مانند حرمت ازدواج مردان مسلمان با زنان کافر در آغاز هجرت به مدینه ، می‌بینیم که در آخرین سوره مدنی ، مائده ، ازدواج زنان کتابی با مردان مسلمان حلال شده است . و یا ازدواج ناهمسان که در سورهٔ نور کلّاً تحریم شده بود در سورهٔ مائده همسان نابسامانش نیز حرام شده است که بر مبنای آیهٔ نور ، مرد پاک با زنان ناپاک ، و زن پاک با مرد ناپاک نباید ازدواج کنند و تنها ازدواج ناپاکان با یکدیگر حلال بوده است ، ولی در سورهٔ مائده با لفظ « مُحْصِنِینَ » و « الْمُحْصَنَاتُ » ، (مائده ، ۵ / ۵) این ازدواج نابسامان هم حرام شده که خود مانعی است اکید و تکاملی برای حرمت زنا . و در سورهٔ بقره هم ازدواج مردان مسلمان هر چه باشند با زنان مشرک تحریم گردیده با آنکه در سورهٔ نور ، ازدواج مردان مسلمان زناکار با زنان مشرک تجویز شده بود .

و در جمع چنانکه اشاره شد تناسخ در شرایع ، چه درونی‌اش و چه برونی‌اش ، بر مبنای آزمون و تکامل و مانند اینهاست .

* تردیدی نیست که قرآن ، ادیان ابراهیمی را دارای منشأ و خاستگاه واحد معرفی می‌کند و آموزه‌های اصلی آنها را نیز یکی می‌داند . آیا این همسویی می‌تواند دلیل بر این باشد که این ادیان در عرض یکدیگر نجات‌بخش هستند و در نتیجه هر کدام را بپذیریم در آخرت به فلاح و رستگاری می‌رسیم ؟

استاد صادقی : این شرایع بر مبنای تناسخ برونی در عرض هم نیستند ، بلکه در هر زمانی یکی از شرایع پنجگانه حاکم است . آری اگر از روی قصور و یا تقصیر ، کسانی بر شرایع گذشته باقی بمانند ، اهل نجاتند ، و آیاتی مانند « إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ الَّذِینَ هَادُوا وَ النَّصَارَی وَ الصَّابِئِینَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ . » ، (بقره ، ۲ / ٦۲) و نیز آیاتی همانندش ، محور اصلی را ایمان بالله و الیوم الآخر دانسته ، که اگر تقصیری هم خالی از عناد نسبت به عدم پذیرش شریعت پس از خود داشته‌اند ، چون خالی از عناد بوده و بر مبنای عادت بر شریعت خود باقی مانده‌اند ، اگر طبق آن شریعت عمل می‌کرده‌اند ، بالأخره اهل نجاتند .

* در صورتی که بعد از نُبُوّت پیامبراکرم (ص) ، تنها اسلام را دین نجات‌بخش بدانیم و پیروان ادیان دیگر را که عذری در نپذیرفتن اسلام ندارند مستحقّ عذاب و کیفر اخروی بدانیم ، آیات ٦۲ سورهٔ بقره و ٦۹

سورۀ مائده را که ظهور در نجات پیروان ادیان با فرض ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح دارند ، چگونه توجیه کنیم۲ ؟

استاد صادقی : پاسخ این سؤال مفصّلاً داده شد و آیاتی مانند آنچه اشاره کردیم نیز بر این حقیقت گواه است که تنها ایمان بالله و الیوم الآخر و عمل شایسته ایمان است که در کلّ نجات‌بخش می‌باشد ، ولی در صورت روشن بودن حقّانیّت وحیانی شریعت بعدی ، به ویژه شریعت اسلام ، باقی ماندن بر شریعت قبلی از روی عناد خود کفر و بی‌ایمانی است که هرگز پذیرفته نیست ؛ زیرا همان خدایی که شریعت گذشته را واجب کرده همو آن را نسخ نموده .

آری ما منکر تفاوت بین اینان و مشرکان نیستیم که اینان ، گر چه بر خلاف حکم خدا شریعت بعدی را نپذیرفته‌اند ، ولی بالأخره به شریعتی ربّانی پایبند بوده‌اند که طبعاً عذابشان کم‌تر از مشرکان است ؛ گرچه شایسته بهشت نیستند .

* متون دینی ادیان ابراهیمی در کدام یک از زمینه‌های چهارگانه معارف ، اخلاق ، تشریع و تـاریخ ، بیشترین همسویی ، و در کدام زمینه‌هـا کم‌ترین همسویی را دارند ؟

استاد صادقی : همسویی اندک شرایع ابراهیمی در بُعد تاریخ ، و بیشترش در ابعاد دیگر است . و چون تورات و انجیل ، تحریف شده‌اند ، همسویی شریعت ابراهیم و شریعت اسلام با آن دو کم‌تر به چشم می خورد ؛ زیرا این دو هرگز مورد تحریف واقع نشده‌اند . و بر همین مبنا هم صاحبان کلّ شرایع پس از شریعت ابراهیم ، مأمور شده‌اند که روش عقیدتی و اخلاقی و بخش مهمّی از شریعت احکامی ابراهیم را دنبال کنند .

* شما در کتاب « عقائدنا » ۳ چون در صدد اثبات برتری قرآن بر عهدین بوده‌اید کوشیده‌اید از تعبیرات و عبارات عهدین نهایت استفاده را برای تضعیف آموزه‌های آن دو در قبال آموزه‌های قرآن بکنید ؛ در همین راستا کنایه ، استعاره و مجاز را در تعبیرات عهدین نادیده گرفته‌اید . آیا می توان با حمل تعبیرات موجود در عهدین ، بر کنایه و مجاز ، چنان که در قرآن نیز صورت می‌گیرد ، نوعی اشتراک و همسویی میان قرآن و عهدین را نتیجه گرفت ؟

استاد صادقی : تا آنجا که ممکن است کنایه‌ها و مجازات روشن را توجیه کرده‌ایم ، ولی نصّ و ظاهر بر خلاف حقیقت را نمی‌توان توجیه کرد ؛ مانند تثلیث ، ابن الله ، صلیب ، تحمّل گناهان دیگران ، اعجاز شراب‌سازی مسیح و مانند آن و غلطهای عهدین .

* آیا فهم متون ادیان ، از قـواعد مشترک پیروی می‌کند ، یا فهم هر یک از متون ، قـواعد ویژهٔ خود را دارد ؟

استاد صادقی : فهم متون ادیان ، بر مبنای لغات مفهوم خود ادیان است ؛ با توجّه به اصطلاح زمان نزول آنها که معنای همگانی و همه زمانی دارد ، و تحوّل لغت ، هرگز نه بر آن معانی چیزی باید بیفزاید و نه کم کند ؛ به ویژه متن قرآنی که از نظر معنی و لغت برای کلّ زمانها تا انقراض تکلیف ، حجّتی وحدانی است . و قرائتهای گوناگون بر اثر پیش فرضها و انتظارات و تصوّرات غیرمطلق خود ، تحمیلاتی است بر متن دینی قرآنی .

* عوامل ستیزه‌جویی پیروان ادیان ابراهیمی چیست ، و قرآن در این زمینه بر چه انگیزه‌ها و عواملی تکیه می‌کند ؟

استاد صادقی : عوامل ستیزه‌جویی آنان تحریفها و کم و زیادهایی است که در اثر قصور یا تقصیر یا عناد شرعمدارانی شرع‌ندار تحقق یافته ، که به گمان شرعی بودن عقیده یا حکمی با حکم و عقیدهٔ دیگری که در شرایع الهیّه است معارضه می‌کنند . که دین بر ضد دین قیام کرده ؛ دین نخست ، بی‌دینی است که با چهرهٔ دینی ، با دین حقیقی ، بدتر از بی‌دینان رسمی به معارضه با دین حقیقی ربّانی پرداخته‌اند .

* آیا در درون آموزه‌های ادیان مطالبی هست که موجب تفرقه و ستیزه‌جویی شود ؟ و آیا می توان با تکیه بر آموزه‌های مشترک از ستیزه‌جویی جلوگیری کرد ؟

استاد صادقی : با آموزه‌های مشترک وحیانی حقیقی ، بخش زیادی از ستیزه جوییها میان ادیان برطرف می‌شود ؛ چنانکه آیاتی از قبیل : « قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلا نَعْبُدَ إِلا اللَّهَ ... . » ، (آل‌عمران ، ۶۴) که همگامی در این گونه عقیده‌های همسان ، اختلافات متشرّعین به شرایع گوناگون را بسیار می‌کاهد . تحریفات اصلی را که بر خلاف فطرت ، عقل و وحی حقیقی ربّانی است کنار بگذاریم ، می‌ماند

اختلافاتی بسیار کم و کمرنگ که میان متشرّعان به هر یک از شرایع در درون نیز موجود است ، و این موفّقیّت ، بر مبنای شورایی شایسته و بدون تعصّب از شرعمداران حقیقی قابل تحقّق است .

و آیاتی مانند « وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا ... . » ، (آل‌عمران ، ۳ / ۱۰۳) با پیوند دو جمع ، عصمت علمی وحیانی را تثبیت کرده ؛ نخست جمیع وحی حقیقی ربّانی ، سپس در بعد محوری شورای شایسته میان شرعمداران حقیقی .

پی‌نوشتها

۱. ر . ک : فصلنامه پژوهشهای قرآنی ، شماره ۲ ، تابستان ۱۳۷٤ ، « روش تفسیری الفـرقان در اسباب نزول » ، سیّدحسین هاشمی ، صفحه ۲۲۷ ـ ۲۵۲ ؛ شماره ۸ ـ ۷ ، پاییز و زمستان ۱۳۷۵ ، « اصول و مبانی تفسیر الفرقان » ، محمدرضا امین ، صفحه ۲۸۲ ـ ۳۰۵ ؛ شماره ۱۰ ـ ۹ ، بهار و تابستان ۱۳۷٦ ، « گفت و گو با استاد دکتر محمّد صادقی » ، صفحه ۲۸٤ ـ ۳۰۵ ؛ شماره ۱۱ ـ ۱۲ ، پاییز و زمستان ۱۳۷٦، « نگاهی به گفت و گو دربارهٔ المیزان » ، علی رضایی‌تهرانی ، صفحه ۲۵۹ ـ ۲٦٤ .

۲. در آیهٔ ٦۲ سورهٔ بقره می‌خوانیم :

« إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ . » ، (بقره ، ۲ / ٦۲)

در حقیقت ، کسانی که [به اسلام] ایمان آورده و کسانی که یهودی شده‌اند و ترسایان و صابئان ، هرکس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد ، پس اجـرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت ، و نه بیمی بر آنان است ، و نه اندوهناک خواهند شد .

آیهٔ ٦۹ سورهٔ مائده نیز با اندک تفاوتی همین مضمون را ارائه می‌دهد . در آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵ آل‌عمران نیز می‌خوانیم :

« لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ . يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ . وَ مَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ . » ، (آل‌عمران ، ۳ / ۱۱۳ ـ ۱۱۵)

آنان یکسان نیستند ؛ از میان اهل کتاب ، گروهی درست کردارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند . به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند ؛ و در کارهای نیک شتاب می‌کنند ، و آنان از شایستگانند .

و هر کار نیکی انجام دهند هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند ، و خداوند به حال تقواپیشگان داناست .

۳. این کتاب ارزشمند به صورت گفت وگو و مناظره تنظیم یافته که بررسی تطبیقی باورهای عقلی و عقائدی و برهانی میان قرآن و تورات و انجیل در موضوعات توحید و نُبُوّت و معاد است . عنوان کامل کتابشناسی آن چنین است : عقائدنا ، بحوث مقارنة بصورة الحوار بین القرآن و التّوراة و الإنجیل تشمل التّحقیق المقارن عن التّوحید و النّبوة و المعاد علی ضوء ما جاء فی الدّیانات السّماویّة الثّلاث ، منشورات مؤسسة النّور للمطبوعات ، بیروت ، لبنان ، الطّبعة الثّانیة ، ۱۹۹۴م ـ ۱۴۱۴هـ (الطّبعة الأولی ، ۱۹۷۲م ـ ۱۳۹۲ هـ) ، ۵۶۲ ص.

پایان مقاله

* *